

تأثیر انتظار معلم بر عملکرد تحصیلی

دانش آموزان

معرفی مقاله

نویسنده: دکتر پروین کدیور

گرچه تحقیق در رابطه متقابل معلم و دانش آموز و تأثیرات ناشی از این رابطه بر عملکرد آنها، از گذشته‌های بسیار دور، توجه مربیان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، توجه مجدد به این مسأله و بررسی گسترده ابعاد مختلف آن به تحقیق روزنتال و یاکوبسون برمی‌گردد. اعلام نتایج حاصل از تحقیق و بررسی "چگونگی تأثیر انتظار معلم بر عملکرد دانش آموزان" توسط روزنتال و یاکوبسون، در محافل تربیتی انتقادات و سئوالات بسیاری را به وجود آورد. جلب توجه سایر محققان به این مسأله و تلاش آنها برای پاسخگویی به صحت و سقم یافته‌های تحقیق، ابعاد دیگر این رابطه و تأثیرات شگرف ولی پنهان ناشی از این ارتباط را آشکار کرد. نتایج حاصل از مجموعه تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌تواند در بهبود کیفیت تعلیم و تربیت و اهمیت توجه به کلاس درس به عنوان یک صحنه اجتماعی و رابطه معلم و دانش آموز مورد استفاده قرار گیرد.

در این مقاله، ضمن اشاره مختصر به برخی از تحقیقات انجام شده و یافته‌های مهم ناشی از آنها، دلایل تأثیرگذاری انتظار در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تشریح و در پایان، نتایج عملی حاصل از این تحقیقات ارائه شده است. این مقاله را خانم دکتر پروین کدیور عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهیه و در اختیار فصلنامه قرار داده است که بدینوسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

مقدمه:

تأثیرگذاری یک فرد بر دیگران و دلایل این تأثیرگذاری، موضوع آشنایی در روان‌شناسی است. ولی طرح این نکته که انتظارات معلم می‌تواند در رفتار دانش‌آموزان نیز مؤثر واقع شود، موضوع تازه‌ایست که پس از تحقیق مشهور روزنتال و یاکوبسون^۱ در سال ۱۹۶۸ مطرح شد. روزنتال در این تحقیق، اثرات انتظار معلم بر عملکرد دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داد و این تأثیرگذاری را "پیشگویی خودکامبخش"^۲ یا "اثر پیگمالیون"^۳ نام نامید.

در اساطیر یونان، پیگمالیون نام مجسمه‌سازی است که شیفته مجسمه دست‌ساخت خود شد و آرزوی زندگی با وی را در سر پروراند. روزنتال از آنرو نام پیگمالیون را برای تحقیق خود برگزید که در آن انتظار معلم از دانش‌آموز به تدریج به بار می‌نشیند و از دانش‌آموز موجودی می‌سازد که معلم از قبل آن را پیشگویی کرده است.

نتایج تحقیقات روزنتال با شگفتی و تعجب بسیار روبرو گردید؛ ولی اندکی نگذشت که انتقادات زیادی بر آن وارد آمد. بیشتر این انتقادات حول روش کار تحقیق دور می‌زد و به نظر می‌رسید که تلاش‌های عده زیادی از محققان برای دستیابی به این نتایج، به نتیجه نرسیده است. برای مثال، برافی و گود^۴ (۱۹۷۴) از ۶۰ تلاش برای تکرار این تحقیق نام می‌برند که هیچ‌یک نتوانستند یافته‌های روزنتال و یاکوبسون را مورد تأیید قرار دهند. بهر حال، تحقیق روزنتال و یاکوبسون موجب گردید که حوزه تحقیقی جدیدی در تعلیم و تربیت گشوده شود و یافته‌هایی بدست آید که بدون این تحقیق، دستیابی به آنها احتمالاً غیرممکن بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مروری بر بعضی از تحقیقات مربوط به تأثیر انتظار

همانطور که گفته شد، روزنتال و یاکوبسون در پی آن بودند که اثر انتظار معلم بر عملکرد دانش‌آموزان را بررسی کنند. در انجام این کار، آنها دانش‌آموزانی را از چندین کلاس یک منطقه و با تواناییهای درسی متفاوت انتخاب کردند. سپس به اجرای آزمونی پرداختند که هوش کلی را اندازه می‌گرفت؛ ولی آن را با نامی ساختگی و دهن پرکن معرفی کردند. در پاییز همان سال، ضمن اعلام نتایج آزمون، به معلمان این مدارس گفتند که نمرات بالای عده‌ای از این دانش‌آموزان، بیانگر اینست که این عده در طول همین سال، احتمالاً شکوفایی فوق‌العاده‌ای خواهند داشت. درحالیکه، در واقع، این افراد به‌طور تصادفی انتخاب شده و هیچ برتری خاصی بر دیگران نداشتند. وقتی محققان فوق‌الذکر در پایان همان سال به مدارس برگشته و برای دومین بار آزمون هوشی را روی این دانش‌آموزان اجرا کردند، دریافتند که آنهایی که به‌عنوان دانش‌آموزان مستعد معرفی شده بودند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در تحصیل از خود نشان داده و نمرات به مراتب بیشتری از گروه گواه آورده‌اند.

حتی بهره‌ هوشی آنها نیز چند واحد افزایش پیدا کرده بود.

از نظر این محققان علت، عملکرد بهتر دانش آموزان، چیزی جز انتظار بیشتر معلمان از آنها نبوده است از اینرو، محققان نامبرده اعلام کردند که انتظاراتی که معلم از توانایی دانش آموزان دارد بر چگونگی پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر می‌گذارد. به این معنی که پیشگویی معلم از عملکرد دانش آموز به مرور عملکرد دانش آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سرانجام، شکل واقعیت به خود می‌گیرد. اعلام این نتایج، موجب گردید که حوزه‌های دیگر این مسأله، توسط سایر محققان مورد بررسی قرار گرفته و نتایج جالب توجهی نیز به دست آید.

در یکی از این تحقیقات که توسط ریست^۵ (۱۹۷۵) و در مدرسه یک محله سیاهپوست نشین امریکا انجام شد، معلمی کلاس خود را براساس شرایط اجتماعی - اقتصادی دانش آموزان به سه گروه تقسیم کرده بود. والدین کودکان گروه اول، که نیمکتهای ردیف جلو کلاس را اشغال کرده بودند، در مقایسه با والدین گروه سوم، از تحصیلات بیشتری برخوردار بودند. گروه سوم را به‌طور عمده، فرزندان خانواده‌های فقیر جامعه موردنظر تشکیل می‌دادند. این گروه‌بندی در آغاز سال و پیش از آشنایی معلم با توانایی دانش آموزان و براساس موقعیت اجتماعی آنان انجام شده بود.

تحقیقات بعدی مشخص کرد که پایگاه اجتماعی بالاتر گروه اول، انتظار موفقیت بیشتری را در معلم ایجاد کرده است (والتر و مردیت^۶، ۱۹۸۹). به‌علاوه، از آنجایی که پیامهای معلم، بخشی از یادگیری اجتماعی مدرسه را تشکیل می‌دهد، جهت‌گیری و تقسیم‌بندی کلاس به کسانی که یاد می‌گیرند و یاد نمی‌گیرند، موجب جهت‌گیری سایر دانش آموزان کلاس نیز می‌شود و همین نگرش و تلقی به مرور، تثبیت شده و به کار گرفته می‌شود. چرا که دانش آموزان نیز متوجه علاقه معلم به بعضی از افراد گردیده و تلاش می‌کنند تا خود را با این توجه، هماهنگ و همراه کنند. دانش آموزان طرز رفتار خود را نیز با رفتار معلم منطبق می‌کنند (بابد، برنیری^۷ و روزنتال، ۱۹۹۱).

تحقیقات برافی و توماس گود (۱۹۷۴) نیز یافته‌های مربوط به تأثیر انتظار را مورد تأیید قرار داده است. این نتایج نشان می‌دهد که معلم، به دانش آموزانی که به طبقه اجتماعی - اقتصادی بالاتری تعلق دارند، ساعی‌ترند، رقابت می‌کنند، جالب توجه‌اند، در نیمکتهای جلو می‌نشینند، خوب صحبت می‌کنند، خط خوشی دارند و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند، توجه خاصی مبذول می‌کند.

تحقیقات کارل برون^۸ (۱۹۷۶)، ضمن تأیید نتایج حاصل از تحقیقات برافی و گود، نظرات روزنتال و یاکوبسون را نیز تأیید می‌کند. کارل برون اضافه می‌کند که برای تبیین انتظار معلم، باید به متغیرهایی که بر انتظار معلم تأثیر می‌گذارد توجه شود. وی ضمن مرور کلیه تحقیقات در این زمینه - تبیین انتظار معلم و مطالعه عواملی که ممکن است انتظارات

متفاوتی را در معلم ایجاد کند - نتایجی بدست آورده است که با یافته‌های برافی و گود هماهنگ است.

فیلیپ بیکر و جانت کرسٲ^۹ (۱۹۷۱)، نیز پس از مرور ادبیات پیگمالیون نتیجه‌گیری کردند که سؤال تحقیقات آینده این نیست که آیا تأثیر پیگمالیون وجود دارد یا نه؟ بلکه چگونگی و طرز عملکرد آن در مدرسه است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۲ توسط ادن و راوید^{۱۰} انجام گرفت، این دو، سعی کردند که در خود فرده‌انتظار ایجاد کنند. آنها به جای کم و یا زیاد کردن انتظارات مریمان، مستقیماً به سراغ کارآموزان متقاضی رهبری در ارتش رفته و در آنها ایجاد انتظار کردند. با توجه به اینکه یک مقام معتبر نظامی نیز به کارآموزان خاطر نشان کرده بود که آنها استعداد خاصی برای موفقیت دارند، عملکرد به مراتب بهتری در مقایسه با گروه گواه، نشان دادند (کیمبل^{۱۱}، ۱۹۹۰).

در تحقیق دیگر فلدمن و همکاران^{۱۲} (۱۹۸۲) نشان دادند که انتظارات دانش‌آموزان نیز می‌تواند بر عملکرد معلمان تأثیر گذارد. همینطور، در مجموعه دیگری از تحقیقات، محققان بر شرایطی که در آن انتظارات معلم به ثمر می‌رسد و می‌تواند بر فرآیند یادگیری - یاددهی تأثیر بگذارد نیز تأکید کرده‌اند. برای مثال، رالیسون و مدوی^{۱۳} (۱۹۸۵) دریافتند که نوع برجسی که به دانش‌آموز زده می‌شود و اطلاعاتی که معلم از عملکرد وی در دست دارد، در ایجاد انتظار معلم بر شاگرد مؤثر است. چنانکه انتظار معلمان از شاگردانی که در یادگیری "ناتوان" شناخته شده‌اند، بیشتر از افرادی است که "عقب‌مانده ذهنی" نام گرفته‌اند. معلمان از دانش‌آموزانی بیشتر انتظار دارند که عملکرد اخیرشان یک الگوی صعودی را نشان می‌دهد نه یک الگوی در حال نزول را. گزارش باید (۱۹۸۵) نیز از یک سوگیری عمده در نمره دادن به اوراق شاگردان صحبت می‌کند که در آن معلم با تصور اینکه ورقه شاگرد ساعی یا ضعیفی را تصحیح می‌کند، نمرات متفاوتی می‌داده است (لفرانکایس^{۱۴}، ۱۹۹۱). در تحقیق دیگری که توسط روزنتال و همکارانش (باید، برنیری و روزنتال ۱۹۹۱) انجام شد، میزان حساسیت دانش‌آموزان به ارتباطهای کلامی و غیرکلامی بررسی گردید. در این تحقیق، نمونه کوچکی از رفتار معلم که به صورت سمعی، بصری و یا ترکیبی از این دو تهیه شده بود، مورد قضاوت و اظهار نظر پنج گروه قرار گرفت که به ترتیب از دانش‌آموزان سال چهارم دبستان تا معلمان دارای تجارب متفاوت را در بر می‌گرفت.

وظیفه گروهها این بود که رفتارهایی را درجه‌بندی کنند که به صورتهای مختلف (سمعی و بصری و یا هر دو) و در هنگام گفتگوی معلم با دانش‌آموزان قوی و ضعیف از وی تهیه شده بود. نتایج کلی این آزمایش نشان داد که همه گروهها توانستند با استفاده از شواهد ارائه شده، مشخص کنند که دانش‌آموز مورد خطاب معلم، شاگردی ساعی بوده است یا ضعیف و همینطور میزان علاقمندی معلم را به وی به‌طور دقیق تعیین نمایند. البته تفاوت‌های

اندکی بین گروهها در این مورد وجود داشت و گروه دانش آموزان جوانتر، نمرات تقریباً کمتری بدست آورد، ولی در شناسایی رفتار معلم نسبت به دانش آموزان مختلف هرگز با دشواری روبرو نشد.

این آزمایشها در شرایطی انجام شد که اولاً رفتار معلم نسبت به یک دانش آموز غیر قابل رؤیت به عنوان مبنایی برای حدس زدن در مورد وی به کار می‌رفت و ثانیاً، تصویر یا صدای معلم و یا هر دوی اینها، تنها برای مدت ده ثانیه در معرض نمایش قرار می‌گرفت و ثالثاً، تأثیرات هر یک از این سه کانال، به‌طور مجزاً مورد بررسی قرار گرفته بود.

دلایل تأثیرگذاری انتظار

آنچه که در تأثیر انتظار معلم اهمیت خاصی پیدا می‌کند، چگونگی انتقال انتظار معلم بر دانش آموزان و نحوه تأثیرگذاری بر آن است. دانش آموزی که معلم از او انتظار بالایی دارد، از طریق توجه معلم، موفقیتها و تقویتهای اجتماعی و تحصیلی متعددی دریافت می‌کند. تردیدی نیست که یکی از عواملی که تلاش و جدیت در کارها را موجب می‌شود، باوری است که فرد از خود دارد. این باورها با رفتار معلم شکل می‌گیرد و تلاشهای آینده دانش آموز را تضمین می‌کند.

پارسونز^{۱۵} (۱۹۸۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که مهمترین عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت در درس ریاضی، برداشت دانش آموز از توانایی خود در این درس و انتظار موفقیت در آن است.

به‌علاوه، تلاش معلم در اثبات نظر خود نسبت به توانایی این دانش آموزان نیز در توجیه موفقیت آنها اهمیت بسیار دارد. برای مثال، اگر معلم سؤالی مطرح کند که احتمال شکست دانش آموزان موردنظر را به‌دنبال داشته باشد، سؤال خود را تغییر می‌دهد و یا توضیحاتی به آن اضافه می‌کند تا امکان پاسخگویی درست برای این دانش آموزان فراهم شود. برعکس، در مورد دانش آموزانی که معلم انتظار چندانی از آنها ندارد، چنین اتفاقی نمی‌افتد. شاید معلم نمی‌خواهد ذهنیت خود را در مورد آنها عوض کند و یا، اگر خوشبینانه قضاوت کنیم، نمی‌خواهد که آن دانش آموز خجالت‌زده شود؛ از این‌رو به پرسش و پاسخ خود پایان می‌دهد. در اینجا به‌طور غیرمستقیم تلاش دانش آموزانی که از آنها انتظار بالایی می‌رود، تقویت شده و دانش آموز احساس می‌کند که می‌تواند تلاش کند و تلاش او نیز مؤثر واقع می‌شود. برعکس، عدم موفقیت دانش آموزی که معلم از او انتظار چندانی ندارد، ممکن است به عدم توانایی او نسبت داده شود نه به فقدان تلاش او.

از دید دانش آموز، مسأله را می‌توان به این صورت مطرح کرد که وی توجه معلم را نشانه‌ای از اهمیت خود تلقی می‌کند و این احساس در او شکل می‌گیرد که شایستگی توجه

افراد مهم را دارد. در نتیجه، اعتماد به نفس پیدا می‌کند و اهداف بالایی را برای خود در نظر می‌گیرد. برعکس، دانش آموزی که به گمان خود شایستگی توجه معلم را ندارد، انرژی خود را صرف جلب توجه معلم می‌کند و دائم در حالت دفاعی به سر می‌برد. حالتی که می‌تواند از جهات مختلف برای شخصیت او زیان آور باشد و بیم آن می‌رود که به این احساس برسد که نمی‌تواند بر شرایطی که برای او به وجود آمده است کنترل داشته باشد.

آگاهی از تأثیرات تعیین‌کننده اثر انتظار، می‌تواند در سالم‌سازی محیط آموزشی دانش‌آموزان نقش عمده‌ای داشته باشد. واقعیت این است که بعضی از معلمان، به دلایلی که ذکر شد، از بعضی از دانش‌آموزان، در مقایسه با سایرین، انتظار عملکرد بهتری دارند و این الگوی رفتاری را نیز حفظ می‌کنند. درست است که عملکرد دانش‌آموز نیز انتظار معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی عوامل دیگری مانند اطلاعات معلم در مورد وضعیت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده دانش‌آموز، سوابق تحصیلی و حتی وضع ظاهر و طرز برخورد او نیز در شکل‌گیری این انتظارات دخالت می‌کند.

البته تفاوت‌گذاری معلمان ضرورتاً با تعصب همراه نیست و رفتارهای متفاوت معلمان با توجه به نیازهای دانش‌آموزان و تجربیات مختلف آنها می‌تواند ابعاد مثبتی نیز داشته باشد. ولی تحقیقات بسیاری حاکی از آن است که عقاید قالبی معلمان و مخصوصاً واکنش منفی آنها به دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر، بیشتر است. در یک تحقیق، بین درجه‌بندی دوست داشتن - دوست نداشتن معلمان از دانش‌آموزان، با عقاید قالبی اجتماعی آنان همخوانی دیده شده است (مینوچین و شاپیرو^{۱۶}، ۱۹۸۳).

واقعیت این است که معلم به‌عنوان رهبر، کسی است که قوانین کلاس را تدوین و جو کلاس را تعیین می‌کند ولی جوی که هیچ قانونی به‌جز نظرات شخصی معلم بر آن حاکم نباشد، جوی آکنده از ستیزه‌جویی و خصومت خواهد بود و می‌تواند جانشین شرایط مناسب برای کار و تلاش دانش‌آموزان بشود.

به‌نظر روزنتال، هر یک از موارد زیر می‌تواند موجب شود که انتظار یک فرد در رفتار فرد دیگر منعکس شود:

۱- نوع روابط متقابل معلم و دانش‌آموز

۲- بازخورد به دانش‌آموز

۳- درون‌داد متفاوت

۴- برونداد متفاوت

۱- نوع روابط متقابل: منظور از این روابط، گرمی و حمایت بیشتر معلم از فرد مورد نظر است. چنانچه معلم در مدرسه با این دانش‌آموزان دوستانه رفتار کرده و آنها را در مقایسه با گروه کنترل، مورد تشویق بیشتری قرار می‌دهد.

۲- بازخورد: منظور این است که معلمان، اطلاعات روشن‌تر و مستقیم‌تری دربارهٔ

صحت عملکرد این دانش آموزان به آنها می‌دهند.

۳ - درونداد: منظور این است که معلمان، در مقایسه با گروه گواه، اطلاعات بیشتر و پروژه‌های سنگینتری به این عده از دانش آموزان عرضه می‌کنند.

۴ - پروونداد: منظور این است که معلمان، فرصتهای بیشتری برای پاسخ دادن به این دانش آموزان می‌دهند.

البته چهار مورد بالا، تنها نشان‌دهنده رفتار متفاوت معلم نسبت به دانش آموزانی است که از آنها انتظار بالایی دارد. دارلی و فازویو^{۱۷} (۱۹۸۰) چنین اظهار نظر کردند که اثر پیشگویی خودکامبخش از آنرو اتفاق می‌افتد که فرد مورد نظر باور می‌کند که می‌تواند عملکرد خوبی داشته باشد. هامیلتون^{۱۸} و دیگران (۱۹۸۵) نیز نشان دادند که انتظار معلمان از دانش آموز حتی می‌تواند تأثیرات منفی در عملکرد وی داشته باشد، مگر اینکه خود او متقاعد شود که می‌تواند خوب عمل کند.

ولی در بسیاری از کلاسهای ابتدایی و دبیرستان، معلمان نسبت به دانش آموزانی که به دلایلی آنها را باهوشتر و تواناتر می‌دانند، رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. چنانچه رفتارهای این دانش آموزان بیش از سایرین در معرض احساسات مثبت معلم قرار می‌گیرد و معلمان رفتار دوستانه‌ای نسبت به آنها نشان می‌دهند؛ به آنها بیشتر نگاه کرده و لبخند می‌زنند و به طور کلی، این دانش آموزان بیشتر مورد تأیید و تقویت معلم قرار می‌گیرند.

تحقیقات دیگر مربوط به تأثیر انتظار حاکی از این است که معلم از طریق کلامی و غیرکلامی نیز انتظارات خود را به دانش آموز منتقل می‌کند. بعضی از دانش آموزان وقت بیشتری برای مشارکت و پاسخگویی به سؤالات بدست می‌آورند و اگر معلم احساس کند که دانش آموز مورد نظر سؤال را نفهمیده و یا امکان عدم موفقیت وی وجود دارد، با تکرار و بازگویی آن به زبان ساده‌تر، برای رسیدن به جواب درست به آنها کمک می‌کند. همین‌طور، معلمان اهداف عالیتري را برای دانش آموزانی از این نوع در نظر می‌گیرند (هریس^{۱۹} و روزنتال، ۱۹۸۵).

به نظر می‌رسد که معلم از آنرو با دانش آموزان موفق ارتباط برقرار می‌کند که رفتار آنها رایشتر قابل پیش‌بینی می‌داند. معمولاً این دانش آموزان تنها زمانی مورد انتقاد قرار می‌گیرند که معلم تصور کند که زیاد تلاش نکرده‌اند و زمانی تشویق می‌شوند که معلم گمان دارد که به اندازه کافی کوشش به خرج داده‌اند. به این ترتیب، دانش آموزان مورد نظر معلم، تأییدهای محیطی را نتیجه طبیعی تلاشهای خود به حساب می‌آورند نه حاصل شانس و تصادف. و در نتیجه حس اعتماد به تواناییهای خود در آنها تحکیم می‌گردد.

امروزه، تحقیقات مربوط به کلاس درس و تأثیر رابطه متقابل معلم و دانش آموز همچنان به سوی مطالعات پیچیده‌تر در جریان است و توجه این تحقیقات به فرآیندهای اجتماعی کلاس درس، حقایق جدیدی را آشکار می‌کند. شکی نیست که هیچ کلاسی محیط

یکسانی برای تمام دانش آموزان فراهم نمی‌کند، چراکه رابطه اجتماعی معلم با هریک از این دانش آموزان، رابطه اجتماعی متفاوتی است که در نوع خود منحصر به فرد است. ترجیحات معلم، انتظارات آنها، ویژگیهای شخصی معلم و دانش آموز و عناصر دیگری که در این فرآیند وجود دارند، به اتفاق، الگویی از تعامل اجتماعی به وجود می‌آورند که مخصوص همان کلاس است و نمونه آن را نمی‌توان در جای دیگری سراغ گرفت. همینطور، شکی نیست که تحقیقات مربوط به تأثیر انتظار همچنان ادامه خواهد یافت. ولی از هم اکنون می‌توان حدس زد که این تحقیقات در پی اثبات آن نخواهد بود که آیا این تأثیر وجود دارد یا خیر، بلکه بیشتر بدنبال جوابگویی به این سؤال است که این انتظار در چه شرایطی به ثمر می‌نشیند و دلیل یا دلایل آن کدام است.

نتایج کاربردی:

- اگرچه تحقیقات مربوط به اثر انتظار کماکان در حال پیشرفت است، ولی باتوجه به مطالبی که مطرح شد می‌توان نتایج تربیتی زیر را عنوان کرد:
- ۱- معلم نه تنها در هنگام ارزشیابی عملکرد تحصیلی دانش آموزان و نمره دادن به آنها، بلکه در تمام روابط متقابل خود با دانش آموزان باید منصف بوده از توجه بیش از حد و یا فراموش کردن عده‌ای از دانش آموزان بربحدر باشد.
 - ۲- باتوجه به تأثیر عواملی چون ویژگیهای ظاهری دانش آموزان، اطلاعات مربوط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی و تحصیلی خانواده و مواردی از این نوع، معلم باید آگاهانه با اطلاعاتی که موجب پیشداوری می‌شود، مقابله کند.
 - ۳- معلم می‌تواند فراوانی تأیید تقویتهایی را که برای دانش آموزان در نظر می‌گیرد، ثبت کند تا در صورتیکه بعد از چند هفته دریافت که رفتار دانش آموز یا دانش آموزانی اصلاً "تقویت" نشده است، در شیوه برخورد خود با این قبیل افراد در کلاس تجدیدنظر کند و زمینه را برای تقویت رفتارهای همه افراد فراهم سازد.
 - ۴- اطلاعات معلم از سوابق ضعیف تحصیلی دانش آموزان، باید در جهت کمک به آنها مورد استفاده قرار گیرد، معلم باید آگاهانه سعی کند که از ضعفها و مشکلات دانش آموزان به عنوان ابزاری جهت تحقیر و تمسخر آنها استفاده نکند.
 - ۵- معلم می‌تواند برای تعامل منصفانه و با ثبات با دانش آموزان برنامه‌ریزی کند تا همه دانش آموزان را به یک اندازه مورد خطاب قرار دهد. در هنگام سؤال کردن از دانش آموزان یا پاسخگویی به آنها، صمیمی و مثبت باشد و توجه و علاقه خود را عادلانه بین دانش آموزان توزیع کند.
 - ۶- معلم باید ضمن بررسی عملکرد دانش آموزان و تأیید تلاشهای انجام شده، انتظار خود را از پیشرفتهای آتی، به آنها منتقل کند.

۷- رفتار معلم در کلاس و برخورد با دانش‌آموزان نباید به گونه‌ای باشد که تلاش دانش‌آموزان در جهت جلب توجه وی سوق داده شود. معلم از طریق توزیع توجه خود به همه کلاس، انرژی شاگردان خود را در جهت پیشرفت درسی و نه جلب نظر معلم، هدایت و سوق دهد.

۸- اگر دانش‌آموز نقاط ضعفی دارد، ضعف وی را باید حاصل عدم تلاش او قلمداد نمود و تا زمانی که معلم شواهد کافی و منطقی در اختیار نداشته باشد، نباید ضعفهای شاگرد را حاصل عدم توانایی ذهنی وی قلمداد کند.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زیر نویسها:

- ۱ - Rosenthal & Jacobson
- ۲ - Self - fulfilling prophecy
- ۳ - Pygmalion effect
- ۴ - Broofy & Good
- ۵ - Rist, R.C.
- ۶ - Walter, R.B. & Meredith, D.G.
- ۷ - Babad, E., Bernierie, F.
- ۸ - Barun, C.
- ۹ - Baker, P.J. & Crist J.
- ۱۰ - Eden & Ravid
- ۱۱ - Kimble
- ۱۲ - Feldman, Prohaska, 1979; Feldman & Theiss, 1982.
- ۱۳ - Ralison & Medway
- ۱۴ - Lefrancois
- ۱۵ - Parsons
- ۱۶ - Minuchin P.P. & Shapiro, E.K.
- ۱۷ - Darley & Fazio
- ۱۸ - Hamilton, Baumeister and Tice
- ۱۹ - Harris, M.J.



ژرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی